

دکتر محمد ظروفی

از گروه زبانهای خارجی - رشته زبان آلمانی

نخستین راهبان مسیحی

واژه راهب که ریشه اروپائی آن از واژه یونانی monos بمعنای «تنها، منفرد» گرفته شده است به کسی اطلاق میشده که تنها و دور از اجتماع می زیسته است. در دنیای مسیحیت این واژه برای نخستین بار در اوایل سده چهارم به گوشه نشینان و همه کسانی که از دنیا و پیوستن به جامعه انسانی می گریختند گفته میشد؛ خواه تنها یا با هم مسلکان خویش میزیستند. پس از قرنهای این واژه اندک اندک به کسانی نسبت داده میشده که عضو فرقه های مذهبی بودند. به سخن دیگر این واژه برای کسانی بکار می رفته که به دستورات خاص دینی و سنتی گردن می نهادند. در چهار چوب مسیحیت طبقه راهبان قبل از پایان سده سوم تشکیل نشده بود. اما پیش از آن در میان بودائی ها افرادی با ایمان سخت دینی بودند که نویسندگان غربی آنها را راهب می خواندند و امروزه هم آنان را خاصه در هندوستان - چین - تبت - و ژاپن می یابیم. بطور کلی میتوان گفت که در ادیان کونا کون انواعی از زندگی راهبی بعنوان بیان عمیق دینی وجود داشته است. اما مسلم آنستکه تعلیمات مسیحی بود

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شماره ۴ سال ۲۱

که کوششهای خاص دینی و اخلاقی را بطورتازه یعنی صومعه نشینی مسیحی عرضه داشته است.

از نظر تاریخی از اوایل قرن چهارم تا به امروز صومعه نشینی در همه صورتهای گوناگونش بر آن دسته انسانهایی که می کوشیدند تا حد ممکن طبق تعلیمات و دستورات عیسی مسیح زندگانی را در این دنیای خاکی بسر آرند تأثیر ویژه ای داشته است. زمان و مکان پیدایش صومعه نشینی بر ما معلوم است :

در سال ۲۷۱ پسریکی از کشاورزان ثروتمند مصری بنام آنتونیوس^۱ Antonius می شنود که کشیشی در یک کلیسای مصر سفلی از کتاب مقدس چنین نقل می کند: «اگر میخواهی کامل شوی رفته ، ایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت و آمده مرا متابعت نما.»^۲

اونیز چنین کرد و گوشه نشینی آغاز نمود و عمر خود را وقف عبادت و کار کرد. بی شک برخی نیز پیش از او بگونه ای گوشه نشینی اختیار کرده بودند اما تفاوت آنان با آنتونیوس در داشتن یک زندگی طولانی روحانی و مقدس و نیز استعداد رهبری بود. گروه کثیری از مردم به پیروی از او برخاستند. پیداست که در نخستین نگاه این پرسش پیش می آید که آیا یک چنین صومعه نشینی ای واقعاً صورت تازه ای از زندگی مسیحی بود و چرا درست در آن زمان و آن هم در مصر ریشه گرفت .

در این باره باید گفت شواهد تاریخی درست است که بر ما معلوم می دارد چنین صورتی از زندگی مسیحی تا سال ۲۷۱ چیز تازه ای بود . و این حقیقت همه نظریه هائی را که صومعه نشینی مسیحی را با آئین یهود و یا آسیای دور مربوط می سازد رد میکند. اما در پاسخ این پرسش که چرا این شیوه زندگی مسیحی درست در مصر ریشه دو انیده و پا گرفته است میتوان گفت که در آن روزگار اکثر ساکنین اسکندریه و دلتای نیل مسیحی بودند. آب و هوای پیرامون این نواحی غیر مسکونی گذران عمر را با تغذیه اندک در زاغه ها یا کلبه های ساده و ابتدائی ممکن می ساخت . از این گذشته چون راهبان از همان دوران نخستین از خدمت سربازی ، پرداخت مالیات و

غالباً نیز از اعزام به جبهه جنگ معاف می‌شدند از این رو این عوامل در گسترش این طبقه نقش بسیار مهمی داشت .

یکی از راهبان بنام آنتونیوس قدیس (۳۰۶-۲۵۱) که پس از سالهای دراز گوشه نشینی در قلب صحرا در آخرین سالهای زندگی اش استاد و مرشدی نامور شده بود به سبب زندگی سخت روحانی اش پیروان و علاقه‌مندان به‌شمار می‌آمده بود . شهرتش رفته رفته فزونی یافت و در نتیجه زندگی نامه‌ای که اسقف اعظم (۳۷۳-۳۲۸) اتاناسیوس Athanasius از او به رشته تحریر درآورد به اوج خود رسید این کتاب که در اندک زمانی معروف شد نمونه برجسته‌ای برای شرح حال نویسی قدیسان درآمده بود و در گسترش صومعه‌نشینی نقشی بسزا داشت .

آنتونیوس با زندگی نمونه‌ای و تعلیماتش که توسط شاگردان این قدیس ضبط شده نشان داد که گوشه‌نشینی چیست و چه سودهای فراوانی در بر دارد .

سالهای ۳۳ تا ۴۳ را می‌توان عصر طلایی زندگی صومعه‌نشینی در مصر دانست . نخستین گوشه‌نشینان تنها با در دوسه گروه در زاغه‌ها و کلبه‌ها زندگی می‌کردند و از درآمد محصولات باغچه‌ها و مزارع کوچک و یا از فروش سبدهای حصیری که خود می‌بافتند روزگار را می‌گذراندند و اوقات را صرف عبادات ، کار ، مطالعه و حفظ کردن کتاب آسمانی می‌کردند . این شیوه زندگی فقط برای کسانی می‌توانست خشنودی و خوشبختی روحی در بر داشته باشد که دارای قدرت روحی فوق‌العاده و تسلط بر نفس بودند و اصولاً این صبر و شکیبائی و تسلط بر نفس خود شرط اصلی و اساسی این شیوه زندگی بود .

چندی نگذشت که مردی از میان آنان برخاست که بعدها بعنوان نخستین مرشد و پیشوای زندگی اشتراکی نامور شد . این مرد پخومیوس Pachomius (۳۴۶-۲۸۶) نام داشت و در جوانی به‌دین مسیح درآمد و گوشه نشینی گزیده بود و به زندگی صومعه‌ای نظام تازه و مشخصی بخشید . او که استعداد سازماندهی و مدیریت داشت بی‌آنکه پیشینیان را مرشدی قرار دهد، طرح جامعه راهبان را ریخت . این طرح

حاوی همه آن عناصری بود که قرن‌ها بعد رفته رفته کشف شد و به بنیانگذاران صومعه نشینی در غرب نسبت دادند. صدها تن از مردم شهر و ده به پخومیوس روی آوردند و او به آنان آیین و موازین بدون صومعه نشینی را می‌داد. پاکی و فقر شرط اصلی این آیین بود.

پخومیوس فرمانبرداری را نیز بصورت خاص خود شرط اصلی زندگی اشتراکی می‌دانست. شراب، گوشت و روغن ممنوع، ولی خوردن نان، ماهی، پنیر و سبزیجات آزاد بود. عبادت دستجمعی و قرائت کتاب آسمانی بیش از عبادت در یک صومعه امروزی وقت نمی‌گرفت. به کار در صومعه توجه زیادی میشد و نقشی ارزنده داشت. صومعه‌ها مانند شهرهای کوچکی بودند با هزارتا دوهزار نفر جمعیت. راهبان بر حسب حرفه خود دوزنده، نانوا، باغبان و غیره - در گروه‌های سی‌چهل نفری، در ساختمان‌های جدا از هم زندگی می‌کردند. آنچه باقی میماند در اسکندریه بفروش می‌رسید.

ساختمانی هم برای آن دسته از هم‌مسلمانان که کارهای بازرگانی و نامه‌رسانی را بعهده داشتند وجود داشت. پخومیوس در سال دو جلسه عمومی برگزار میکرد: یکی در عید پاک و دیگری در ماه اوت و در این جلسه گزارشهای سالیانه داده میشد. پس از مرگ Pachomius صومعه نشینی در مصر برای دنیای آینده آثار معنوی فراوانی بجای گذاشت. در اینجا نخست باید مجموعه اندرزهای گوشه‌نشینان مشهور را بنام «اندرزهای پدران» (Spruche der Vater) که در سه مجموعه گوناگون برای ما بجای مانده نام برد.

یکی دیگر از پیشوایان صومعه نشینی شنوته فن آتریپه ^۲Schenute von Atripe است که مردی سخت کوش، با قدرت وجدی بود. اهمیت این راهب بزرگ برای تاریخ صومعه نشینی در آنستکه وی وفاداری و بندگی در برابر خداوند را شرط اصلی زندگی صومعه نشینی می‌دانست. چندی از مرگش نگذشته بود که صومعه نشینی در فلسطین و سوریه گسترش یافت.

هیلاریون Hilarion (۳۷۱-۲۹۱) در سوریه یکی از پیش کسوتانی بود که

تقریباً ۵۰ سال در نزدیکی غزه گوشه‌نشینی گزید و آنگاه برای گریز از پیروان خود سیاحت سراسر سمت غربی دریای مدیترانه را آغاز کرد. اما هر جا که قدم می‌گذاشت پس از چندی گروهی از مردم به‌وی می‌پیوستند و دامان او را نمی‌ساختند. در نقاط مقدس بزودی صومعه‌هایی بنیان‌گذاری شد و رود هیرونیموس Hieronymus^۴ با گروهی از یانوان نجیب‌زاده رومی به این صفحات بسیاری از مردم با ایمان و تقوا را بسوی صومعه کشانید.

کوهستانهای بی‌آب و علف سمت شرقی اورشلیم مانند مصر دارای نیروی جاذبه خاصی بود.

گوشه‌نشینان به رهبری پیرقدیس در زاغه‌ها و کلبه‌هایی که چندان از هم دور نبود با یکدیگر زندگی می‌کردند. آنان در شب‌های یکشنبه برای مراسم دینی و صرف شام گرد هم می‌آمدند و در ضمن آذوقه و وسائل کار هفته را بین خود تقسیم می‌کردند. در سوریه افرم Ephrem مقدس (۳۷۳-۳۰۶) حکیم الهیات و شاعر و ادیب مدرسه ادسا Edessa را بنیان نهاد. این مدرسه سازمانی چون صومعه داشت و شاگردان این آموزشگاه سوگند یاد می‌کردند که سرپرستی معنوی صومعه‌نشینان پیرامون خود را بعهده بگیرند. در سوریه نیز دسته خاصی از گوشه‌نشینان زنجیری پیدا شدند که خود را در زاغه‌ها یا در فضای آزاد به صخره‌ها به بند می‌کشیدند. مشهورترین آنان سیمئون Simeon بزرگتر (۴۵۹-۳۸۹) بود که بیش از سی سال روی ستونی نه متری نزدیکی آنتیوخیا Antiochia^۶ بست نشست و مرجع راهنمایی‌های مسائل دینی و دنیائی بود.

یکی دیگر از بزرگان صومعه‌نشینی قدیس باسیلیوس بزرگ Basilus (۳۷۹-۳۲۹) است که در توسعه صومعه‌نشینی سخت کوشا بود. او پیش از آنکه خود دست به بنیان‌گذاری صومعه‌ای در ملک خانوادگی بزند یکسال نزد راهبان در مصر، فلسطین و سوریه بسربرد.

هنگامی که وی بمقام اسقفی رسید از رفتار و دل‌بستگی‌های خود نسبت به کیش

راهبی دست برداشت .

به عقیده وی صومعه نشینی زندگی ای اشتراکی بر سبنای زندگی مسیحی که توأم با برادری و نوع دوستی و احترام به یکدیگر است . در این صومعه راهبان به کشاورزی و پیشه‌وری می‌پرداختند . یک یتیم‌خانه ، یک بیمارستان و کارگاهائی به این صومعه وابسته بودند .

باسیلیوس آئین نامه‌ای برای صومعه خود تدوین نکرد . پایه و اساس کار آن آن بر راهنمائی‌های معنوی و تفسیرهائی بر کتاب آسمانی استوار بود . وی تأثیر بسیار گسترده و عمیقی از خود بجای گذاشت و ضمن پرهیز از گوشه نشینی و ریاضت پایه گذار زندگی صومعه‌ای شد که منطبق با روح یونانی بود ، چرا که خود او تحصیلاتش را در آتن به پایان رسانیده بود .

بدین گونه بود که در طی صد سال در مصر و سواحل شرقی دریای مدیترانه ، صومعه نشینی با تمام ویژگیها و شکل‌های گوناگونش - مانند گوشه نشینی، گروهی و گوشه نشینی همراه با ریاضت ، «صومعه اصلاح شده» شنوته ، راهبان سخت کوش و معتدل صومعه پخومیوس و صومعه باسیلیوس با مؤسسات خیریه وابسته به آن - گسترش یافته بود .

ساختمان بیرونی صومعه، ترتیب و اسلوب عبادت مسیحی ، شیوه زندگی ساده و همراه با ریاضت و نظام اداری و غیره نیز رفته رفته تکامل یافت و در مجموعه «اندرزهای پدران» و نوشته‌های اوپا گریوس Euagrius و کاسیانوس^۶ Cassianius بصورتی از عرفان الهی درآمد که بعدها جنبه سنتی بخود گرفت .

هر که تصورش از صومعه نشینی به قرون وسطای پیشین و میانه محدود شود ، آغاز صومعه نشینی را چیزی بیش از یک زندگی بربری و ابتدائی در میان مردسی بی سواد و بی فرهنگ نمی‌داند . اما آن کس که ریشه صومعه نشینی را بداند درمی یابد که این پدیده به راستی در جامعه‌ای با فرهنگ و روشنفکران و آخر عهد باستان پیدا شده و پیش کسوتان و پایه گذارانش از میان طبقات حاکم و روحانی برخاستند .

یکی از کارشناسان برجسته تاریخ سده چهارم بنام هانری مارو Henri Marrou به تازگی معلوم داشت که بجز امبروسیوس Ambrosius^۱ همه روحانیون سده چهارم راهب بودند.

تنها همین حقیقت کافی است دریابیم که صومعه نشینی - گرچه بمعنای عمیق تر آن گریز از دنیا است - شدیداً رنگ مسیحی است .

ایمان و شناخت راهبان به اینکه خداوند در همه چیز و در همه جا هست و هر اندیشه که در جهت اندیشه خدا نباشد بیهوده و باطل است نام و جامعه آنان را پایدار ساخت .

۱- آنتونیوس در بیست سالگی راهب شد و درسی و پنج سالگی بکلی منزوی گردید . بنا بر روایات ، شیطان انواع حيله ها را برانگیخت تا او را منحرف سازد ، ولی موفق نشد . گروهی از راهبان دور او گرد آمدند و در فرمان او درآمدند . پس از چند سالی به صحرائی نزدیک طبوه روی آورد و بقیه عمر دراز خود را اغلب در آنجا گذرانید . وی پدر رهبانیت مسیحی محسوب است .

۲- انجیل متی باب نوزدهم از سطر ۱۲ به بعد . ضمناً پطرس قدیس نیز چنین کرد ، مراجعه شود به همان ، انجیل باب نوزدهم از سطر ۲۷ به بعد . و نیز در آخر همین باب با زهم از زبان حضرت عیسی آمده است : «و هر که بخاطر اسم من خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادریا زن یا فرزندان یا زمینها را ترك کرد صدچندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت .»

۳- وی از سال ۳۸۵ رئیس صومعه ای معروف در مصر علیا بود و در سال ۴۰۱ درگذشت .

۴- به سال ۳۴۵ چشم بجهان گشود ، در سوره گوشه نشینی آغاز کرد و سپس رئیس صومعه شد و در پیشبرد صومعه نشینی از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد . به سال ۴۲ در بیت المقدس درگذشت .

۵- شهری است باستانی در شمال بین النهرین که در حدود ۱۲۹-۱۴۵ دولتی

مستقل در این شهر تشکیل شد، ولی در سال ۷۰ پیش از میلاد مسیح بدست رومی‌ها افتاد. از سال ۲۰۰ بعد از میلاد مرکز علمی سوریه مسیحی بود. در قرن هفتم بدست عربها افتاد، و از سال ۱۶۳۷ جزء خاک ترکیه است.

۶- شهری است باستانی در آسیای صغیر که توسط سلوکی اول بنا شد و پس از انقراض دولت سلوکیان بدست رومی‌ها افتاد.

۷- وی ۱۲ جلد کتاب و ۲ رساله در باب زندگی راهبی و صومعه‌نشینی نگاشت که برای شناخت راهبان مسیحی در مصر بی اندازه مهم است.

۸- وی اسقف میلان بود و در سال ۳۹۷ میلادی درگذشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در تهیه این مقاله از کتابهای زیر بهره گرفته شده است

2. K. Heussi : Der Ursprung des Monchtums, Tübingen 1936.
2. David Knowles : Geschichte des Christlichen Monchtums, Kindler Verlag 1969.
3. St. Hilpisch : Geschichte des benediktinischen Monchtums, Verlag?
4. Der grobe Brockhaus, in Zwölf Banden, Wiesbaden 1953.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی